

یادداشت کارگری هفته

مبارزه با فساد و برخورداری از عدالت در جمهوری اسلامی ، از مسیر مبارزه با کلیت نظام جمهوری اسلامی می گذرد!

امیرجوهری لنگرودی

info@karegari.com

نان کار آزادی



این روزها دگرباره احکام صادره برای فرزندان آفتاب و باد، برای دست یابی به نان، کار و آزادی و دیگر مطالبات اعلام داشته آنان، به صحنه رودرویی بین کارگران نیشکر هفت تپه بامدیریت این صنعت، بعد از حوادث بس اسفباری که بر کارگران و سازمانگران تحرکات اعتراضی هفت تپه و حامیانش تابه امروز وارد آوردند، بدل شده است.

قاضی محمد ناصر مُغیسه، همان "ناصریان" قاضی مرگ، ابتدا با نام «حاج ناصر» به عنوان کارشناس امنیتی (بازجو) و در ادامه بازپرس شعبه سوم زندان اوین در دهه های نخستین انقلاب عمل می کرد. چهره ای که در کشتارهای دهه ۶۰ و خاصه تابستان خونین ۶۷، در کشتن زندانیان سیاسی چپ و کمونیست، نقشی اساسی داشته است. امروز نیز در حکم رئیس شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران، در واریسی دهها و صدها پرونده، احکام ضد انسانی صادر کرده است. در این میان علیرغم قول ابراهیم رئیسی به تجدید نظر در احکام زندانیان پرونده هفت تپه، قاضی مُغیسه با فراخواندن آن ها به دادگاه در دفاع از احکام صادره برای اسماعیل بخشی و متحدان آنان یعنی سپیده قلیان - عسل محمدی - ساناز الهیاری - امیر حسین محمدی فرد و امیر امیر قلی طی روزهای گذشته در دفاع از آرای صادره این پرونده با وقاحت و با صدایی بلند می گوید: «احکام صادره علیه متهمان پرونده هفت تپه، بسیار خدای پسندانه و عادلانه بوده است»، مُغیسه در پایان نیز با شراقت، سنگدلی و به پشتوانه بیرحمی نهادینه شده در نظام ایدئولوژیک اسلامی گفته است: «با این حکم ها، آخرت خود را خریدم!» (۱)، باید به او گفت: تو با حکم قتل هزاران هزارتن از فرزندان جامعه ما در کشتار دهه شصت، آخرتت را پیشتر تضمین کرده بودی!

درست در چنین شرایطی، علیرغم احضارهای گسترده از طرف امنیت شوش و اخراج های چندی از طرف کارفرما - اسد بیگی -، کارگران ترسی به خود راه نداده اند و براف افتاده اند. شکاف بین طبقه و نیروهای اعتراضی درگیر در صنعت نیشکر، نشان می دهد که حاکمیت قصد عقب نشینی در برابر کارگران را ندارد. در کنار چنین نمایش مسخره ضد بشری از قاضی مُغیسه و چهره نمایی قاضی القضاة رئیسی، این روزها شاهد بلند کردن بنرهای ابراهیم رئیسی، تصاویر وی و به رُخ کشیدن چهره عدالت جویانه برای او، و حتی بخشی از کارگران ولایت مدار براف افتاده اند و از "حضور محترم رئیسی" درخواست می کنند: «برای حل مشکلات خصوصی سازی، پرونده سازی ها، اخراج ها و اهانت ها به

کارگران و مردم منطقه رابه جمع کارگران ولایت مدارومظلوم هفت تپه، عاجرانه درخواست می کنیم»
به صحن نیشکر هفت تپه ، برای زدودن دشواری ها برشمرده ورود نمایند.

حالا قصه پُرغصه خصوصی سازی درکشورمان را می توان از حال بد این روزهای برخی از شرکت ها و صنایع دریافت. صنایع ای همچون؛ رشت الکتریک، آلومینیوم المهدی، ماشین سازی تبریز، پتروشیمی ها و کشت و صنعت مغان و نیشکر هفت تپه، هپکو، آذراب و... حدیث پُررنج و شکن صنعت نیشکر هفت تپه مکرراست. شرکتی که در سال ۱۳۹۴ اعلام شد ورشکسته است و عده ای می گفتند با واگذاری آن به بخش خصوصی رونق گرفته و ۲۰ هزار شغل جدید ایجاد خواهد شد. اما نتیجه این واگذاری بدون تدبیر فقط تشدید مشکلات شرکت بود. این شرکت با پرداخت ۵ درصد مبلغ قرارداد (۶ میلیارد تومان) بصورت نقدوبقیه مبلغ (۲۸۵ میلیارد تومان) بصورت اقساطی و هشت ساله به ثمن بخش به دو جوان ۲۶ و ۳۰ ساله واگذار شد.

با فرازو فرود این همه حوادث برصنعت نیشکر هفت تپه وزخمی بودن کارگران و درزندان ماندن چهره های ماندگار و استوار سندیکای هفت پته، ویرزمین ماندن خواست ها و مطالبات آنان، امروز با بوسیدن قرآن، برداشتن پرچم جمهوری اسلامی و «حضرت آقا» گفتن، پشت سکوی خطابه کارگری را با تصویر رئیسی و سردار سپاه قدس، آذین کردند، دعوت از رئیسی "قاضی برگزیده امام مرگ" در کشتاردهه شصت و برراس دستگاه قضاوت امروز، برای رسیدن به داد کارگران، همچنین حمایت جناح باصطلاح «عدالتخواه» شامل بخشی از مافیای رسانه ای سپاه و چماقداران بسیجی و جمعی از طلبه ها در آخرین دور اعتصاب نیشکر هفت تپه را شاهد بوده ایم که پیش از این، شاهد محاصره «عدالتخواهان قلبی» در نزد کارگران متعرض نبوده ایم. آنچه در سطح شبکه های اجتماعی باز خورد یافته است این پرسش را پیش پای مامی نهاد: آیا کارگران می خواهند این بار مطالبه آزادی بی قید و شرط اسماعیل بخشی و لغو خصوصی سازی و... دیگر خواست های خود را از طریق درخواست از جناحی از نظام پیگیری کنند؟ آیا به رئیسی و اقداماتش توهم پیدا کرده اند؟

خوشبختانه "پیام سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه" در "خطاب به کارگران زحمتکش هفت تپه" در تاریخ ۹ مهر ۹۸ به کمک ما آمده است. آنجا که سندیکای ها می نویسند: «کارگران نیشکر هفت تپه به مانند دیگر کارگران در امر مبارزه، دارای سنت های دیرینه ای است. سنتی که حاوی نکاتی مهمی در امر مقابله با ستم و استثمار می باشد، سنت اتحاد و همبستگی و استقلال طبقاتی در راستای کسب مطالبات در مقابل صاحبان زر و زور.

در تمام دوره های مبارزاتی، کارگران این سنت را مد نظر داشته اند که باید مستقل از دولت و کارفرما و تنها با اتکاء به نیروی خود کارگران برای بدست آوردن مطالبات تلاش کنند.

هفت تپه ، یکی از پرچم داران این سنت بوده و هست.....»

در ادامه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در پیام مسئولانه خود خطاب " به خواهران و برادران کارگر در هفت تپه " برآنست: «اعتصاب و تجمع شما حول لغو خصوصی سازی، بازگشت به کار کلیه کارگران اخراجی، آزادی اسماعیل بخشی، خاتمه دادن به پرونده سازی علیه کارگران و... بخشی از مطالباتی است که دست یابی به آن در اتحاد و همبستگی میسر خواهد شد...» (۲)، حاصل این پیام آنکه نباید به این حضرات متوهم بود و به آنان توسل جست. شکاف در بین صفوف به هم فشرده کارگران هفت تپه، تبنانی آشکار دستگاه قضایی بامدیریت شرکت برای زمان خریدن است.

اینکه بتوان گفت: کارگران در امر دررویی با- اسدیگی - و- رستمی- و سیاست کلان خصوصی سازی و فریاد آزادی اسماعیل بخشی و متحدان آنها در جهت گشاد کردن سوراخی هستند که بین بالایی ها وجود دارد، باید پرسید: چرا آنرا با ابراهیم رئیسی طاق زده اند؟ جامعه ما بیشتر شاهد اعتراضات ده

روزه دی ماه ۱۳۹۶ در مشهد و پایگاه او علم الهدا بوده است. همین رئیسی در مقطع انتخابات با تن خالی کوبی (تاتورینگ) امیرتتلو، بر سر یک میز و عکس یادگاری گرفتن، شعار سه برابر کردن یارانه‌های نقدی برای سه دهک پایین جامعه سردادن. همان روزها حناي عدالتخواهی و خرما پخش کنی رئیسی در نزد مردم جامعه ما رنگ باخت. ادعای عدالتخواهی ابراهیم رئیسی در راس قوه قضائیه، بی اعتمادی آوراست. چرا که رهرو راه ولایت نمی تواند مخالف سیاست خصوصی سازی و آزاد سازی بی قید و شرط زندانیان سیاسی باشند. رئیسی خود علمدار امثال قاضی مُغیسه ها هستند که با صد سال زندان تراشیدن با هفت چهره مدافع حقوق کارگران هفت تپه، " آخرت " خود را خریده و تضمین کرده است.

در این دنیای بی پیر، نفرت انگیزترین آدم ها، آنهایی هستند که خود را مدعی عدالتخواهی جا می زنند. این آدم ها فقط مال و نان مردم را نمی برند و نمی خورند، بلکه اعتمادشان را هم درهم می شکنند و در نهایت وسیله می شوند که هیچ چیز خوبی، جلوی چشم مردم خوب جلوه نکند. در درون جامعه ما همانند جامعه بشری، بی اعتمادی، همواره بی اعتقادی می آورد. بی اعتمادی هم باعث می گردد، ارزش هایی که هزاران سال مردم این سرزمین به آن معتقد بودند، از بین برود. اعتماد هایی که جمهوری اسلامی طی چهار دهه حاکمیت داغ و درفش و اعدام از بین برد.

باید هر سطح توهم آفرینی را افشاء کرد تا شعارهای پوپولیستی این و آن آدم مدعی " عدالت خواهی"، " عدالت پروری" و " مبارزه با فساد"، جامعه ما را دگر باره، دچار توهم ننماید. امروزه ادعای مبارزه با "فساد"، "رانت خواری"، "گشایش" حقوق شهروندی" و "مصادیقی از این نوع، راههای برون رفت حاکمیت از امر دادرسی توده مردمان محروم جامعه ما نیست بلکه راه فریفتن آنان است. حتی به زبانی، ادعای مبارزه با "فساد و عدالتخواهی"، راهی برای چهره سازی، آبرو باختگان جامعه ماست که دستشان به خون، کشتار و قتل فرزندان کشورمان آلوده است.

در یک کلام در ایران؛ مبارزه با فساد، تنها از مسیر مبارزه با کلیت نظام جمهوری اسلامی می گذرد. این مبارزه با اتحاد و همبستگی و سازمانیابی همه جانبه مبارزات مردم در صنفی متحد فراهم می گردد و از آن جدایی نا پذیر است. برای دست یابی آزادی، برابری، دموکراسی و عدالت اجتماعی، باید از سد نظام جمهوری اسلامی گذشت. این حکم تاریخ است!

منابع:

(۱) و (۲) سایت کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
<https://www.rahekgar.net/browsf.php?cid=1033&id=1470>

جمعه ۱۲ مهر ۱۳۹۸ برابر ۴ اکتبر ۲۰۱۹

<http://karegari.com/>